

ارث

یکی از موضوعاتی که انسان را نسبت به سایر موجودات متمایز می‌سازد، به جای گذاشتن ارث برای خویشاوندان و بازماندگان است. میراث انسان‌ها هرچند شامل هر دو جنبه مادی و معنوی می‌باشد اما آنچه که با به زبان آوردن کلمه ارث در اذهان متبادر می‌گردد، ابعاد مادی قضیه است.

ارث در لغت به معنی مالی است که از میت باقی می‌ماند و در اصطلاح انتقال دارایی شخص متوفی به بازماندگان می‌باشد که این امر بدون اراده متوفی و بازماندگان او صورت می‌گیرد.

برخی اصطلاحات حقوقی:

- ❖ ترکه: مالی که از میت باقی می‌ماند.
- ❖ مورث: شخص متوفی که از او مالی به جا می‌ماند.
- ❖ وارث: شخصی که از متوفی ارث می‌برد.
- ❖ خویشاوندی نسبی: عبارت است از وابستگی شخصی به شخص دیگر از طریق ولادت چه مستقیم باشد مانند رابطه پسر و پدر و چه با واسطه مانند رابطه دو برادر که به واسطه پدر با یکدیگر خویشاوند هستند.
- ❖ خویشاوندی سببی: عبارت است از خویشاوندی بین دو نفر که در اثر ازدواج به وجود می‌آید مثل رابطه داماد با مادر همسر یا خواهرزن.
- ❖ لعان: در لغت به معنی یکدیگر را لعنت کردن است. لعان یک اصطلاح فقهی است بدین صورت که چون مرد یا زنی یکدیگر را به زنا نسبت دهند آن زن یا مرد همیشه بر یکدیگر حرام می‌شوند.
- ❖ کافر: در شرع به کسی گفته می‌شود که به یگانگی خدا یا نبوت نبی اکرم (ص) و یا یکی از ضروریات دین اسلام مانند حرمت نوشیدن مشروبات الکلی یا زنا و ... معتقد نباشد.

❖ وصیت: سفارش کسی به یک یا چند تن مبنی بر اجرای اعمال و دخل و تصرف در اموال وی پس از مرگ او.

وصیت بر دو نوع می‌باشد یا تملیکی است یا عهدی.

✓ در وصیت تملیکی، متوفی در زمان حیاتش مال یا منفعتی از مال خود را برای زمان بعد از فوتش به صورت مجانی

به دیگری می‌دهد.

✓ در وصیت عهدی شخص یک یا چند نفر را برای انجام امر یا اموری مأمور می‌کند. در وصیت عهدی در واقع

شخص برای زمان فوتش به دیگری نمایندگی می‌دهد تا اعمالی را که خود می‌توانسته در زمان حیات انجام دهد از

طرف او به جای آورد.

شرایط لازم برای انتقال ارث:

برای آنکه مالی از طریق ارث از کسی به دیگری منتقل شود، وجود بعضی شرایط لازم است که عبارتند از:

- از متوفی مالی به جا مانده باشد.

- باید بین مورث و وارث رابطه خویشاوندی وجود داشته باشد. این قرابت یا خویشاوندی ممکن است سببی یا نسبی باشد.

در رابطه نسبی ارث به وراثت تعلق می‌گیرد. در رابطه سببی، زوجیت دایم موجب ارث می‌شود اما توارث تنها بین زوجین

برقرار می‌شود و خویشاوندان یکی از آن دو از دیگری ارث نمی‌برد برای مثال مادر و پدر و برادران شوهر وارث همسر او

نمی‌شوند.

- از شرایط دیگر ارث آن است که مورث فوت کرده باشد و وارث نیز در زمان مرگ او زنده باشد.

- جنینی که در شکم مادر است به شرط آنکه زنده متولد شود، از مورث خود ارث خواهد برد.

- وارث مسلمان از مورث کافر ارث می‌برد. (عکس قضیه صادق نیست و کافر از مسلمان ارث نمی‌برد.)

❏ موانع انتقال ارث:

✦ قتل: اگر کسی مورث خود را به طور عمدی بکشد از ارث او محروم می‌شود.

- ✦ در لعان زن و شوهر از یکدیگر، آنها از هم ارث نمی‌برند. فرزندی هم که مورد نفی و لعان پدر خود واقع شده از او ارث نمی‌برد. در این حالت پدر، فرزندی را که در زمان زوجیت با همسرش به دنیا آمده از خود نفی می‌کند و تحت شرایط شرعی مراسم لعان نیز برگزار می‌شود. در نتیجه رابطه وراثت بین فرزند و پدر به وجود نخواهد آمد.
- ✦ کفر: وارث کافر از مورث مسلمان ارث نمی‌برد.
- ✦ فرزند نامشروع (ولدالزنا) نیز از پدر و مادر و اقوام آنان ارث نمی‌برد.

سهم طبقات مختلف وراثت و نحوه احتساب آن

میدانید که: خویشاوندی موجب ارث می‌شود و اگر کسی فوت کرد و از خود مالی به جا گذاشت پس از برداشت هزینه‌های کفن و دفن میت و اخراج وصیت^۱ و ...، باقی مانده بین وراثت تقسیم می‌شود. در وصیت تملیکی شخص به اندازه یک سوم از اموال خود را می‌تواند وصیت کند یعنی این یک سوم را می‌تواند وقف کند یا به شخص خاصی بدهد، ولی اگر اضافه بر یک سوم وصیت کند باید ورثه به او اجازه این کار را بدهند و در صورت عدم رضایت آنان بر این امر وصیت وی نسبت به اضافه بر یک سوم بدون اثر خواهد بود.

نکته‌ای که باید به آن توجه داشت آن است که شخص نمی‌تواند به موجب وصیت یک یا چند نفر از ورثه خود را از ارث محروم کند البته ممکن است شخص در زمان حیات خودش اموالی را به یک نفر از ورثه یا دیگران ببخشد یا صلح کند^۲ و ... که در اینجا عمل او قانونی است. آنچه که شخص از آن ممنوع می‌باشد محروم کردن ورثه از ارث از طریق وصیت است. چنانچه فردی چنین کند عمل او فاقد اثر حقوقی است به این معنی که فرد مورد نظر از ارث محروم نمی‌شود.

^۱ اگر شخصی وصیت کند و قرض داشته باشد، اول باید از مال متوفی قرضش اخراج شود. بعد ما بقی بین وراثت تقسیم شود)

^۲ صلح آن است که انسان با دیگری در امری که مورد اختلاف است یا امکان دارد مورد اختلاف و نزاع واقع شود سازش کند که مقداری از مال یا منفعت یا حق خود را به دیگری واگذار نماید، یا از طلب یا حق خود بگذرد که او هم در عوض مقداری از مال یا منافع خود را به او واگذار نماید، یا از طلب یا حق خود بگذرد و این را «صلح معوض» می‌نامند و اگر این واگذاری بدون عوض باشد «صلح غیر معوض» نام دارد و هر دو صحیح است.

طبقات ارث

تمامی خویشاوندان متوفی با همدیگر از او ارث نمی‌برند بلکه وجود خویشاوندان نزدیک‌تر خویشاوندان دورتر را از ارث محروم می‌کند. همچنین وجود بعضی از خویشاوندان مانع می‌شوند که بعضی از ورثه تمام یا قسمتی از سهم خود را از ارث ببرند.

به موارد ذیل توجه نمایید!!!

ورثه طبقه اول:

در این طبقه دو دسته وراث وجود دارند که عبارتند از:

دسته اول: پدر و مادر، دسته دوم: اولاد و اولاد اولاد (نوه) و اولاد اولاد اولاد (ننیره) و ... پدر و مادر میت در کنار اولاد او و در صورتی که متوفی اولاد نداشته باشد در کنار نوه و در صورت نداشتن نوه در کنار ننیره و ... از متوفی ارث می‌برند. از این رو نه فرزندان متوفی مانع ارث بردن پدر و مادر او می‌شوند و نه پدر و مادر متوفی مانع ارث بردن فرزندان. فقط باید توجه داشت که با وجود فرزند (دختر یا پسر)، نوه‌ها یا ننیره‌ها ارث نمی‌برند. در واقع هنگامی نوه‌ها در کنار پدر و مادر متوفی ارث می‌برند که فرزندان متوفی در زمان مرگش زنده نباشند. این مورد درباره ننیره‌های متوفی نیز صدق می‌کند یعنی ننیره‌ها هنگامی در کنار پدر و مادر ارث می‌برند که در زمان مرگ مورث، فرزندان یا نوه‌های او زنده نباشند.

مثال: فرض کنیم آقای (الف) فوت می‌کند. در زمان فوت او:

● اگر فقط پدرش وارث او باشد (متوفی فرزندی نداشته باشد و مادر متوفی در قید حیات نباشد): در این صورت تمام

اموال باقی مانده از متوفی (ترکه) به پدر او تعلق می‌گیرد.

● اگر فقط مادرش وارث او باشد (متوفی فرزندی نداشته باشد و پدر متوفی در قید حیات نباشد): در این صورت تمام

اموال باقی مانده از متوفی (ترکه) به مادر او تعلق می‌گیرد.

● اگر فقط یک دختر وارث او باشد (والدین متوفی در قید حیات نباشند و فرزند پسر نداشته باشد): در این صورت تمام اموال باقی مانده از متوفی (ترکه) به دختر او تعلق می‌گیرد.

● اگر فقط یک پسر وارث او باشد (والدین متوفی در قید حیات نباشند و فرزند دیگری نداشته باشد): در این صورت تمام اموال باقی مانده از متوفی (ترکه) به پسر او تعلق می‌گیرد.

● اگر فقط پدر و مادرش وارث او باشند (متوفی فرزندی نداشته باشد): در این صورت یک سوم از ترکه به مادر و



دو سوم به پدر متوفی می‌رسد.

توجه:

در این حالت اگر متوفی علاوه بر پدر و مادر دارای چند خواهر یا برادر نیز باشد، گرچه از ترکه سهمی ندارند ولی موجب خواهند شد که مادر نتواند بیش از یک ششم از ترکه ارث ببرد. برای اینکه برادر و خواهر متوفی مانع از تعلق گرفتن بیش از یک ششم از ترکه به مادر شوند باید: میت لااقل دو برادر یا یک برادر یا دو خواهر یا چهار خواهر داشته باشد و پدر آنان نیز زنده باشد و از ارث ممنوع نباشند مگر به سبب قتل و این برادر و خواهرها یا از یک پدر و مادر باشند یا از یک پدر. به این حالت اصطلاحاً "حجب" گفته می‌شود و می‌گویند: مادر حاجب دارد.

● اگر فقط چند پسر وارث او باشند (والدین متوفی در قید حیات نباشند و فرزند دختر نداشته باشد): در این صورت تمامی ترکه به طور مساوی بین پسران متوفی تقسیم می‌شود. و اگر بعضی از ورثه او پسر و برخی دختر باشند: در این صورت پسران دو برابر دختران ارث می‌برند. (برای مثال اگر فردی سه پسر و دو دختر داشته باشد، ترکه به هشت قسمت تقسیم می‌شود و سهم هر دختر یک هشتم و سهم هر پسر دو هشتم از ترکه خواهد بود).

● اگر فقط نوه‌ها وارث او باشند (والدین و فرزندان متوفی در قید حیات نباشند): در این صورت نوه‌ها جانشین فرزندان متوفی محسوب شده و حسب مورد سهم پدر و مادر خودشان را می‌برند برای مثال در فرض قبلی نوه‌های دختری یک هشتم و نوه‌های پسری دو هشتم ارث می‌برند. البته در میان خود آنان نیز سهم پسر دو برابر دختر است

یعنی اگر از نوه دختری یک نفر دختر و یک نفر پسر باشد سهم پسر از یک هشتم دو برابر است که می شود دوسوم از یک هشتم.

● اگر پدر و مادر همراه با یک دختر ورثه او باشند (متوفی فرزند پسر نداشته باشد): هر یک از پدر و مادر یک ششم از ترکه و دختر یک دوم ارث می برد. در اینجا یک ششم از ترکه اضافه می آید که باقی مانده به نسبت سهم هریک از وراث بین آنان تقسیم می شود مگر آنکه مادر حاجب داشته باشد که از یک ششم باقی مانده چیزی به ارث نمی برد.

● اگر پدر یا مادر با یک دختر ورثه او باشند (متوفی فرزند پسر نداشته باشد و یکی از والدین او قبلاً فوت کرده باشند): در این صورت پدر یا مادر یک ششم و دختر یک دوم ارث می برد. در اینجا نیز یک سوم از ترکه باقی می ماند که به نسبت سهام ورثه بین آنان تقسیم می شود.

● اگر پدر یا مادر یا هر دو با چند دختر ورثه او باشند (متوفی فرزند پسر نداشته باشد): در این صورت اگر والدین متوفی هر دو در قید حیات باشند، به هر کدام یک ششم از ترکه و دو سوم مابقی به دختران می رسد اما اگر تنها یکی از والدین در قید حیات باشد، یک سوم از ارث به او و دو سوم بقیه به دختران می رسد. اگر از ترکه اضافه ماند، بین تمام ورثه به نسبت سهم شان تقسیم می شود.

● اگر پدر یا مادر یا هر دو به اتفاق پسر و دختر ورثه او باشند: هر یک از پدر و مادر یک ششم و بقیه به فرزندان می رسد که سهم پسر دو برابر دختر است. چنانچه همه فرزندان دختر یا همه پسر باشند، بقیه به طور مساوی بین آنان تقسیم می شود.

پرسش: اگر زنی فوت کند و دارای پدر و مادر و زوج و چند دختر و پسر باشد، سهم هر یک از وراث چگونه تعیین می شود؟

پاسخ: سهم پدر یک ششم، سهم مادر یک ششم و سهم زوج یک چهارم خواهد بود که جمع آن چهارده بیست و چهارم می‌شود. ده بیست و چهارم مابقی بین فرزندان (بر مبنای پسران دو برابر دختران) تقسیم می‌شود.

وراث طبقه دوم

وراث طبقه دوم همانند وراث طبقه اول دو دسته‌اند:

دسته اول: اجداد

دسته دوم: برادران و خواهران و اولاد آنان.

در صورتی که هیچ یک از وراث طبقه اول (یعنی پدر و مادر و فرزندان و نوه‌ها و ...) موجود نباشند، ترکه بین وراث طبقه دوم تقسیم می‌شود.

دسته اول از طبقه دوم یعنی اجداد، کسانی هستند که شخص به یک یا چند فاصله از آنان متولد شده است خواه از طرف مادر با آن شخص نسبت داشته باشند که به آنان «اجداد مادری» گویند مانند پدر مادر یا مادر مادر و خواه از طرف پدر نسبت داشته باشند که به آنان «اجداد پدری» گفته می‌شود مانند پدر پدر یا مادر پدر.

دسته دوم از طبقه دوم، برادر یا خواهر و فرزندان آنها هستند و عبارتند از کسانی که با میت از یک نفر به وجود آمده‌اند مانند برادر و خواهر متوفی که هر دو از پدر یا مادر یا پدر و مادر متوفی متولد شده‌اند و نیز برادرزاده یا خواهرزاده یا نوه برادر و خواهر متوفی که غیرمستقیم از پدر یا مادر یا پدر و مادر او به وجود آمده‌اند. در این دسته برادر و خواهر در درجه اول قرار دارند و فرزندان آنان در درجه دوم. نوه‌های آنان نیز در درجه سوم قرار می‌گیرند. هر یک از درجات نزدیکتر به متوفی، درجه دورتر را از ارث محروم می‌کند. برای مثال با فرض زنده بودن برادر، برادرزاده یا خواهرزاده میت از او ارث نمی‌برند.

مثال: فرض کنیم آقای (الف) فوت می‌کند و هیچ خویشاوندی که از میان وراثت طبقه اول باشند، نداشته باشد در این حالت در زمان فوت او از میان وراثت طبقه دوم:

✦ اگر فقط برادر داشته باشد، او تنها وارث متوفی محسوب می‌شود: در این صورت تمام ترکه به او می‌رسد.

✦ اگر فقط خواهر داشته باشد، او تنها وارث متوفی محسوب می‌شود: در این صورت تمام ترکه به او می‌رسد.

✦ اگر فقط پدر بزرگ داشته باشد، او تنها وارث متوفی محسوب می‌شود: در این صورت تمام ترکه به او می‌رسد.

✦ اگر فقط مادر بزرگ داشته باشد، او تنها وارث متوفی محسوب می‌شود: در این صورت تمام ترکه به او می‌رسد.

✦ اگر فقط چند برادر که با متوفی از یک پدر و مادرند وجود داشته باشند، در این صورت تمام ترکه بین آنان به طور مساوی تقسیم می‌شود.

✦ اگر فقط چند خواهر که با متوفی از یک پدر و مادرند وجود داشته باشند، در این صورت تمام ترکه بین آنان به طور مساوی تقسیم می‌شود.

✦ اگر فقط چند برادر که با متوفی از یک پدر هستند وجود داشته باشند، در این صورت تمام ترکه بین آنان به طور مساوی تقسیم می‌شود.

✦ اگر فقط چند خواهر که با متوفی از یک پدر هستند وجود داشته باشند، در این صورت تمام ترکه بین آنان به طور مساوی تقسیم می‌شود.

✦ اگر فقط چند برادر که با متوفی از یک مادر هستند وجود داشته باشند در این صورت تمام ترکه بین آنان به طور مساوی تقسیم می‌شود.

✦ اگر فقط چند خواهر که با متوفی از یک مادر هستند وجود داشته باشند، در این صورت تمام ترکه بین آنان به طور مساوی تقسیم می‌شود.

✦ اگر فقط چند برادر و خواهر که با متوفی از یک پدر و مادر هستند وجود داشته باشند، در این صورت سهم برادران دو برابر خواهران است.

✦ اگر فقط چند برادر و خواهر که با متوفی از یک پدر هستند وجود داشته باشند، در این صورت سهم برادران دو برابر خواهران است.

✦ اگر فقط چند برادر و خواهر که با متوفی از یک مادر هستند وجود داشته باشند، در این صورت سهم هر یک از وراثت از ترکه مساوی با دیگران است.

✦ اگر چند برادر و خواهر از یک پدر و مادر با یک خواهر یا برادر که با او از یک مادر هستند وجود داشته باشند: در این صورت یک ششم ترکه از آن برادر یا خواهری است که با متوفی از یک مادر می‌باشد و بقیه یعنی پنج ششم به برادران و خواهرانی تعلق می‌گیرد که با متوفی از یک پدر و مادرند و سهم برادران دو برابر خواهران است.

✦ اگر چند برادر و خواهر که با متوفی از یک پدرند با یک خواهر یا یک برادر که با او از یک مادرند وجود داشته باشند: در این صورت یک ششم ترکه از آن برادر یا خواهری است که با متوفی از یک مادر می‌باشد و بقیه یعنی پنج ششم به برادران و خواهرانی تعلق می‌گیرد که با او از یک پدرند و سهم برادران دو برابر خواهران است.

✦ اگر یک یا چند برادر و خواهر که با متوفی از یک پدر و مادرند با چند خواهر و برادر که با او از یک مادر هستند وجود داشته باشند: دو سوم ترکه به برادران و خواهرانی که با متوفی از یک پدر و مادر هستند و یک سوم از ترکه به برادران و خواهرانی که با او از یک مادرند تعلق می‌گیرد.

✦ اگر یک یا چند برادر و خواهر که با متوفی از یک پدرند یا چند خواهر و برادر که با او از یک مادر هستند وجود داشته باشند: دو سوم ترکه به برادران و خواهرانی که با متوفی از یک پدرند و یک سوم به برادران و خواهرانی که با او از یک مادرند تعلق می‌گیرد.

چند نکته:

اول: اگر میت برادر و خواهری داشته باشد که با او از یک پدر و مادر باشند، برادر و خواهرانی که از پدر با او یکی هستند از او ارث نمی‌برند. دوم: برادران و خواهرانی که با میت از یک پدر و مادرند یا از یک پدرند، برادران و خواهرانی را که از مادر با میت یکی هستند از ارث محروم نمی‌کنند. سوم: در تمام فرضهای عنوان شده اگر آقای (الف) برادر یا خواهری نداشته باشد، برادرزاده و خواهرزاده او جانشین پدران و مادران خود شده و سهم آنها را خواهند برد.

دسته دوم از طبقه دوم: (اجداد)

پس از فوت آقای (الف):

❖ اگر از میان بستگان متوفی تنها پدر بزرگ و مادر بزرگ پدری او وجود داشته باشند؛ در این صورت وارث او محسوب شده و دو سوم ترکه به پدر بزرگ و یک سوم به مادر بزرگ می‌رسد.

❖ اگر از میان بستگان متوفی تنها پدر بزرگ و مادر بزرگ مادری او وجود داشته باشند؛ در این صورت آنها وارث او محسوب شده و ترکه به طور مساوی بین آنها تقسیم می‌شود.

❖ اگر از میان بستگان متوفی تنها پدر بزرگ یا مادر بزرگ پدری با پدر بزرگ یا مادر بزرگ مادری او وجود داشته باشند؛ در این صورت دو سوم ترکه به پدر بزرگ یا مادر بزرگ پدری متوفی می‌رسد (که سهم پدر بزرگ دو برابر مادر بزرگ است) و یک سوم بقیه به پدر بزرگ یا مادر بزرگ مادری او می‌رسد (که به طور مساوی بین آنان تقسیم می‌شود).

❖ اگر از میان بستگان متوفی تنها پدر بزرگ و مادر بزرگ پدری او با برادر و خواهری که با متوفی از یک پدر و مادرند یا از یک پدرند وجود داشته باشند؛ در این صورت ترکه بین آنها به نحوی که سهم مردان دو برابر زنان باشد تقسیم می‌شود. (برای مثال آقای الف) دارای پدر پدر و مادر پدر و یک برادر و خواهر است. در اینجا ترکه به

شش قسمت تقسیم می‌شود به نحوی که به پدر بزرگ و برادر هر یک دو ششم و به خواهر و مادر بزرگ هر کدام یک ششم داده می‌شود.

❖ اگر از میان بستگان متوفی تنها پدر بزرگ و مادر بزرگ مادری او با برادر و خواهری که با متوفی از یک مادرند وجود داشته باشند؛ در این صورت ترکه به طور مساوی بین آنها تقسیم می‌شود.

❖ اگر از میان بستگان متوفی تنها پدر بزرگ و مادر بزرگ پدری او با یک برادر یا یک خواهر که با متوفی از یک پدر و مادرند یا از یک پدرند با یک خواهر یا یک برادر که با او از یک مادرند وجود داشته باشند؛ در این صورت یک ششم ترکه به برادر یا خواهری که با متوفی از یک مادرند داده می‌شود. پنج ششم باقی مانده بین سایر خویشاوندان به شش قسمت تقسیم می‌شود و به هر یک از پدر بزرگ پدری و برادری که با متوفی از یک پدر و مادرند یا یک پدرند دو سهم و به هر یک از مادر بزرگ پدری و خواهر که با متوفی از یک پدر و مادرند یا از یک پدرند، یک سهم داده خواهد شد.

❖ اگر از میان بستگان متوفی تنها پدر بزرگ ها و مادر بزرگ های پدری و مادری او با برادر و خواهری که با متوفی از یک پدر و مادرند با برادر و خواهری که با او از یک مادرند وجود داشته باشند؛ در این صورت یک سوم ترکه به پدر بزرگ و مادر بزرگ مادری متوفی و خواهر و برادری که با متوفی از یک مادرند تعلق می‌گیرد که بین شان به طور مساوی تقسیم می‌شود و دو سوم بقیه به پدر بزرگ و مادر بزرگ پدری متوفی و برادر و خواهری که با او از یک پدر و مادرند می‌رسد که سهم مردان دو برابر زنان است.

نکته: در تمام فرضهای گفته شده چنانچه آقای (الف) دارای همسر باشد، سهم همسرش از ترکه یک چهارم است. حال اگر فرض کنیم متوفی زن بوده و شوهر داشته باشد؛ در این صورت سهم شوهرش یک دوم از ترکه خواهد بود.

نکته:

- ✓ اگر آقای (الف) همسر داشته باشد، سهم همسر او از ترکه یک چهارم است و اگر متوفی زن باشد و شوهر داشته باشد، سهم شوهرش از ترکه یک دوم است.
- ✓ در ازدواج موقت زوجین از یکدیگر ارث نمی‌برند.
- ✓ اگر شوهر زن خود را طلاق رجعی دهد (طلاق که شوهر در یک دوره خاص یعنی عده حق برگشت و مراجعه به همسرش دارد) و هر یک از زن و شوهر قبل از پایان آن دوره خاص (عده) بمیرد، دیگری از او ارث می‌برد.
- ✓ اگر شوهر در حال بیماری زن خود را طلاق دهد و در ظرف یک سال از تاریخ طلاق به همان بیماری بمیرد، همسرش از او ارث می‌برد. (البته اگر طلاق رجعی نباشد زن در این فرض هنگامی ارث می‌برد که شوهر نکرده باشد).

توجه:

- ۱- آیا در نکاح موقت زوجه از زوج ارث می‌برد؟ توارث بین زن و شوهر هنگامی است که رابطه زناشویی آنان ناشی از ازدواج دائم باشد در نکاح موقت هیچ یک از زوجین از یکدیگر ارث نمی‌برد.
- ۲- اگر ثمره ازدواج موقت فرزندی هم باشد و زوج فوت کند آیا این فرزند همانند فرزندان ناشی از عقد دایم از پدر ارث می‌برد؟ بله، کلیه حقوق و تکالیفی که پدر در قبال فرزندان زن دایم دارد در برابر این فرزند نیز داراست بنابراین نفقه، حضانت، توارث و سایر حقوق این فرزند مانند فرزندان دیگر پدر برقرار می‌باشد.
- ۳- آیا زن می‌تواند در عقد نکاح موقت شرط توارث یا نفقه کند؟ اگر چه در این خصوص اتفاق نظر وجود ندارد و عده‌ای معتقدند که در عقد نکاح موقت نیز می‌توان شرط کرد که زن از شوهر ارث ببرد و شوهر مکلف به پرداخت نفقه باشد ولی در عمل بر مبنای این عقیده رفتار نمی‌شود لکن برای حل این مشکل زن می‌تواند مبلغ مهریه را به دلخواه تعیین کند و محدوده‌ای برای آن وجود ندارد.



آیا می‌دانید مرجع صلاحیت دار جهت صدور گواهی انحصار وراثت چه مرجعی است؟

مرجع صلاحیت دار جهت صدور گواهی، **دادگاهی است که آخرین محل سکونت متوفی بوده است**. مطابق با ماده ۲۰ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی، دعاوی راجع به ترکه (مالی که از میت به جا می‌ماند) متوفی در دادگاه محلی اقامه می‌شوند، که آخرین اقامتگاه متوفی در ایران، در آن محل بوده و اگر آخرین اقامتگاه متوفی معلوم نباشد، رسیدگی در صلاحیت دادگاهی است که آخرین محل سکونت متوفی در ایران در حوزه آن بوده است. بنابراین اگر شخصی در طول مدت زندگی خود در شهرهای مختلفی سکونت داشته باشد و برای مثال آخرین محل سکونت وی اصفهان باشد، در صورت فوت وی، دادگاه اصفهان صلاحیت صدور گواهی انحصار وراثت را خواهد داشت هر چند که شخص در شهر دیگری فوت نموده باشد یا اموال وی در نقطه دیگری قرار گرفته باشند.



آیا می‌دانید اشخاص صلاحیت دار جهت تقاضای انحصار وراثت چه کسانی هستند؟

وراث متوفی یا سایر اشخاص ذینفع می‌توانند از دادگاه تقاضای صدور گواهی انحصار وراثت نمایند. نکته قابل توجه اینکه چنانچه وراثت یا اشخاص ذینفع متعدد باشند، نیازی به درخواست همگی آنها نمی‌باشد و اقدام یک نفر از آنها، جهت تقاضا کفایت می‌نماید.



آیا می‌دانید مدارک لازم جهت تقاضای تصدیق انحصار وراثت کدامند؟

۱- شناسنامه و گواهی فوت متوفی

پس از فوت متوفی و تأیید پزشک مربوطه، مراتب توسط اداره ثبت احوال ثبت، شناسنامه متوفی باطل و گواهی فوت صادر می‌گردد. ارائه اصل گواهی فوت و کپی مصدق آن به دادگاه الزامی می‌باشد.

۲- استشهادیه محضری

اسامی کلیه وراث می‌بایست در فرم مخصوصی که توسط دادگاه در اختیار متقاضیان قرار می‌گیرد نوشته و توسط ۲ نفر از اشخاصی که وراث و متوفی را می‌شناسند امضاء شود و امضاء افراد فوق نیز می‌بایست توسط یکی از دفاتر اسناد رسمی تأیید و گواهی مربوطه به دادگاه ارائه گردد.

۳- رسید گواهی مالیاتی (مالیات بر ارث)

وارث می‌بایست پس از فوت متوفی لیست کلیه اموال و دارایی‌های منقول و غیرمنقول او را به اداره دارایی حوزه محل سکونت متوفی ارائه کنند و رسید آنرا دریافت نموده، همراه مدارک دیگر به دادگاه تقدیم نمایند.

۴- کپی مصدق شناسنامه وراث

متقاضی انحصار وراثت می‌بایست علاوه بر شناسنامه خود، کپی مصدق شناسنامه وراث دیگر را نیز تهیه و به دادگاه تقدیم نماید. ارائه اصل شناسنامه‌ها جهت کنترل توسط مدیر دفتر دادگاه الزامی می‌باشد.

۵- وصیت نامه (در صورتی که وجود داشته باشد)

۶- دادخواست

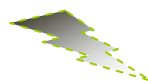
پس از آماده نمودن مدارک فوق‌الذکر، می‌بایست دادخواستی مشابه الگوی ارائه شده تنظیم گردد و همراه با مدارک یاد شده به دادگاه ارائه گردد.

تشریفات دادرسی پس از تقدیم دادخواست

دادگاه رسیدگی کننده پس از ملاحظه اسناد و مدارک تقدیمی، درخواست متقاضی را یک نوبت در روزنامه کثیرالانتشار یا محلی آگهی می‌نماید و هزینه نشر آگهی نیز به عهده متقاضی می‌باشد. پس از انقضای یک ماه از تاریخ نشر آگهی در صورتی که معترضی نباشد، دادگاه با توجه به ادله و اسناد ارائه شده، گواهی انحصار وراثت بیانگر تصدیق وراثت، تعیین تعداد وراث و نسبت آنها به متوفی را صادر می‌نماید. در صورت وجود معترض و اعلام اعتراض او، دادگاه جلسه‌ای را

جهت رسیدگی معین نموده و به معترض و درخواست کننده تصدیق اطلاع می دهد و پس از رسیدگی، در جلسه ای حکم خود را اعلام خواهد نمود. این حکم برابر مقررات، قابل تجدیدنظر است.

نکات قابل توجه در تصدیق انحصار وراثت



۱- در صورتی که در زمان فوت نطفه ای منعقد شده باشد، جنین نیز جزو وراثت قرار می گیرد و می بایست در دادخواست مربوط قید شود.

۲- در تصدیق انحصار وراثت به درخواست ورثه، دادگاه سهم هر یک از ورثه را معین می نماید.

۳- در صورتی که برای محجور، قیم معین نشده، دادستان می تواند بنام محجور به درخواست تصدیق انحصار وراثت اعتراض نماید.

۴- در صورتی که بهای ترکه بیش از ۱۰ میلیون ریال نباشد، دادگاه بدون انتشار آگهی به دلایل درخواست کننده رسیدگی و درخواست صدور گواهی حصر وراثت را حسب اقتضای دلایل، قبول یا رد می کند.

۵- در مورد وراثت روستاییان، در صورتی که بهای ترکه بیش از ۱۰ میلیون ریال باشد، فقط به الصاق آگهی برای یک بار و در یک روز در معابر و اماکن عمومی روستای محل اقامت متوفی اکتفا خواهد شد.

۶- رأی دادگاه دایر بر درخواست تصدیق، قابل پژوهش و فرجام است.

مواد قانونی

قانون امور حسبی مصوب ۱۳۱۹ و اصلاحات بعدی مواد ۳۶۰ الی ۳۷۶.

برگ دادخواست به دادگاه عمومی

مشخصات طرفین	نام	نام خانوادگی	نام پدر	شغل	محل اقامت شهر- خیابان- کوچه- شماره- پلاک
خواهان	مشخصات خواهان در این قسمت تکمیل می شود				
خوانده					
وکیل یا نماینده قانونی	در صورت داشتن وکیل مشخصات وکیل ذکر شود				
تعیین خواسته و بهای آن	صدور گواهی انحصار وراثت				
دلایل و منضمات دادخواست	۱- گواهی فوت ۲- استشهادیه محضری ۳- رسید گواهی مالیاتی ۴- کپی مصدق شناسنامه وراثت ۵- وصیت نامه (در صورت وجود)				
<p>ریاست محترم دادگستری استان / شهرستان.....</p> <p>با سلام</p> <p>احتراماً به استحضار می رساند آقای/ خانم مطابق با مندرجات گواهی فوت تقدیمی در شهرستان (آخرین محل اقامت خود) مرحوم گردیده اند و وراثت منحصر به فرد مرحوم/ مرحومه عبارتند از: ۱.....</p> <p>۲.....</p> <p>۳.....</p> <p>لذا از آن مقام محترم رسیدگی و دستور نشر آگهی و صدور گواهی انحصار وراثت طبق مقررات مورد استدعا است. ضمناً مستحضر می نماید که نامبرده و نیز ورثه همگی پیرو مذهب می باشند.</p> <p>محل امضاء- مهر- انگشت</p>					
شماره و تاریخ ثبت دادخواست	شعبه دادگاه عمومی				
شماره رسیدگی فرمایید.				
تاریخ	نام و نام خانوادگی مقام ارجاع کننده				
	امضاء / / تاریخ				

در یک جمع بندی کلی می توان حکمت تفاوت ارث زن و مرد را چنین بیان کرد:

۱- اختلاف در تقسیم و تخصیص هر گز جنبه ارزشی ندارد و دوبرابر بودن سهم الارث مرد نسبت به زن هرگز به معنای ارزش مضاعف مردان نیست.

۲- مبنای این تقسیم، لزوم رعایت تناسب و تعادل حقوق هر کس با وظایف اوست و توجه به این نکته، توهم ظالمانه و تبعیض آمیز بودن این تقسیم را از بین می برد. اگر مسئله ارث به عنوان بخشی از حقوق خانواده به عنوان جزئی از نظام حقوقی اسلام مورد مطالعه و دقت واقع شود و حقوق و تکالیف مختلف زنان و مردان در صحنه خانواده و اجتماع به خصوص از بعد اقتصادی با هم مقایسه شود، به خوبی روشن می شود که در این تقسیم نه تنها به زن ظلم نشده، بلکه در عمل بهره بیشتری از مرد خواهد داشت.

۳- هر چند ظاهر این تقسیم برخورداری مضاعف مرد از ارث و مزایای اقتصادی است، ولی واقعیت چنین نیست. اگر چه نتیجه این تقسیم این است که مرد دو برابر زن مالک می شود، اما در مرحله مصرف، زن بیشتر از مرد بهره می برد؛ زیرا زن سهم و دارایی خود را نگه می دارد و هیچ الزامی برای خرج کردن آن ندارد؛ اما سهم مرد غالباً در جریان انفاق و تأمین هزینه زندگی به خانواده اش بازمی گردد. علاوه بر آن زن می تواند سهم خود را در جریان فعالیت و رشد اقتصادی قرار دهد و به طور ویژه از منافع آن بهره مند شود.

۴- دو برابر بودن سهم الارث مرد یک قاعده عمومی نیست؛ زیرا نه تنها در برخی موارد زنان برابر مردان ارث می برند (مثل پدر و مادر میت در صورتی که میت فرزند داشته باشد که هر کدام به تساوی یک ششم سهم می برند) بلکه گاهی زن (به معنای جنس مؤنث) بسیار بیشتر از مرد ارث می برد؛ مانند جایی که ورثه میت، پدر و یک دختر باشند که در اینجا یک ششم به پدر و سه ششم به دختر می رسد. و مابقی نیز طبق ماده ۹۰۸ قانون مدنی بین پدر و دختر به نسبت فرض آنان تقسیم می شود.

آیا میدانید؟

شرط ارث بردن زوجه این است که زوجیت، در عقد دائم باشد.

آیا راهی برای اینکه زوجه سهم بیشتری از اموال همسرش ببرد وجود دارد؟

از آنجا که تعیین فرض زن و شوهر و تفاوت آن مستند به قرآن است، تغییر میزان فروض بر اساس اجتهاد و ... امکان ندارد؛

اما می‌توان با توسل به تمهیدهای فرعی نصیب زوجه را افزایش داد.

ساده‌ترین راه برای شوهری که مایل است همسر او بیش از سهم و فرض خود از ترکه ببرد، استفاده از وصیت است. شوهر

می‌تواند ثلث ترکه خود یا کمتر از آن را برای همسرش وصیت کند و بدین وسیله به سهم او بیفزاید.

حتی قانونگذار می‌تواند اعلام کند در صورتی که زن همراه با دیگر طبقات فرض می‌برد، چنین فرض می‌شود که شوهر

ثلث ترکه را به نفع او وصیت کرده، مگر آنکه خلاف آن از وصیت نامه متوفا یا سایر اسناد به جای مانده از او استنباط شود.

بدین وسیله وصیتی بر مرد تحمیل نمی‌شود و نقص سهم الارث زوجه نیز جبران می‌گردد.

طبق قانون جدید، ارث بری زنان از عرصه املاک زوج متوفی عطف به ماسبق می شود

طبق این قانون زنانی که همسرانشان فوت شده و اموالشان تاکنون تقسیم نشده، از عرصه ارث می برند. در این قانون ذکر شده همسران افرادی که قبل از تصویب این قانون هم فوت شده و اموال آنها تقسیم نشده هم مشمول این قانون هستند؛ (یعنی همسر از عرصه هم ارث می برد). اما اگر اموال آنها تقسیم شده دیگر آن حکم امر مختومه را دارد و دیگر قابل رسیدگی مجدد نیست. و نیز افرادی که ارثیه آنها تقسیم نشده و در هر زمانی فوت شده اند، مشمول این قانون می شوند و همسر متوفا هم از اعیان ارث می برد هم از عرصه ملک.

آیا می دانید سهم ارث زنان از اموال شوهر افزایش یافت و قانون ارث بری زنان پس از ۷۶ سال تغییر

کرد!!!

طبق این قانون زنان از یک هشتم از قیمت اموال منقول و یک هشتم از قیمت اموال غیرمنقول اعم از عرصه و اعیان ارث می برند تا پیش از این و طبق قانون مدنی ایران زنان فقط به میزان یک هشتم و آن هم از اعیانی (درخت و منزل) ارث می بردند و هیچ سهمی از عرصه (زمین) نداشتند. « زن در صورت فرزنددار بودن شوهر، یک هشتم از عین اموال منقول و یک هشتم از قیمت اموال غیرمنقول اعم از عرصه و اعیان ارث می برد و در صورت نداشتن فرزند حتی از همسر دیگر سهم او یک چهارم می باشد.» زوج از تمام اموال زوجه ارث می برد و زوجه در صورت فرزنددار بودن زوج، یک هشتم از عین اموال منقول و یک هشتم از قیمت اموال غیرمنقول اعم از عرصه و اعیان ارث می برد. همچنین در صورتی که زوج هیچ فرزندی نداشته باشد سهم زوجه یک چهارم از کلیه اموال به ترتیب فوق است.» و نیز با حذف ماده ۹۴۷ و اصلاح ماده ۹۴۸ هر گاه ورثه از ادای قیمت امتناع کنند زن می تواند حق خود را از عین اموال استیفا کند.

نظریات مشورتی اداره حقوقی

۱. مدت زمان محاسبه دارایی متوفی

ملاک محاسبه دارایی متوفی به منظور اجرای مفاد ماده ۳۶۴ قانون امور حسبی تاریخ درخواست انحصار وراثت است یا تاریخ فوت متوفی؟

با توجه به مواد ۳۶۰^۳ و ۳۶۱^۴ و ۳۶۴^۵ قانون امور حسبی، ملاک در محاسبه دارایی متوفی راجع به اجرای ماده ۳۶۴، تاریخ درخواست انحصار وراثت است نه تاریخ فوت مورث. بنابراین در مورد سؤال ترکه متوفی بایستی به بهای روز تقدیم درخواست انحصار وراثت ارزیابی و ملاک عمل قرار گیرد.»

وصیت متقابل زن و شوهر

در موردی که طبق سند رسمی، زن و شوهری با یکدیگر قرار بگذارند که هر یک زودتر از دیگری فوت کند همه ماترک او اعم از منقول و غیرمنقول به طرف دیگر که در قید حیات است متعلق گردد چه حکمی جاری است؟

با توجه به مواد ۸۲۵^۶ و ۸۲۶^۷ و ۸۳۷^۸ و ۸۴۳^۹ و ۹۴۹^{۱۰} و ۸۶۶^{۱۱} قانون مدنی، زوجه علاوه بر نصیب خود ثلث ترکه را در هر دو صورت خواهد برد.

۳. ماده ۳۶۰ قانون امور حسبی: در صورتی که وراثت متوفی با سایر اشخاص ذی نفع بخواهند اقدام به انحصار ورثه نمایند درخواست نامه کتبی مشتمل بر نام و مشخصات درخواست کننده و متوفی و ورثه و اقامتگاه آنها و نسبت بین متوفی و وارث تنظیم نموده به دادگاه تسلیم می نمایند.

۴. ماده ۳۶۱ قانون امور حسبی: دادگاه بخش، درخواست نامبرده را سه دفعه پی در پی ماهی یک مرتبه آگهی می نماید. تبصره: در نقاطی که روزنامه دایر نیست دادگاه می تواند به جای آگهی در روزنامه محلی به تعداد لازم به هزینه متقاضی گواهی حصر وراثت آگهی تهیه نموده و در معابر الصاق نماید تاریخ الصاق آگهی ها که باید در یک روز به عمل آید به وسیله صورت جلسه که مأمورین ابلاغ نسبت به این موضوع تهیه می نمایند رعایت خواهد گردید.

۵. ماده ۳۶۴ قانون امور حسبی: در صورتی که بهای ترکه بیش از پنجاه هزار ریال نباشد انتشار آگهی مذکور در ماده ۳۶۱ به عمل خواهد آمد و دادگاه به ادله و اسناد و اظهارات گواهان در خواست کننده رسیدگی کرده و درخواست انحصار ورثه را به حسب اقتضای دلایل قبول یا رد می نماید.

۶. ماده ۸۲۵ قانون مدنی: وصیت بر دو قسم است: تملیکی و عهدی

سهم الارث زوجه و وصیت به نفع وی (تاریخ: ۶۱/۱/۲۸ - شماره نظریه: ۷/۲۸۹)

در مواردی که وارث متوفی منحصر به زوجه او باشد و مورث کل ماترک را به نفع او وصیت نموده باشد زوجه بیش از سهم الارث خود به علاوه ثلث ماترک نمی تواند ببرد.

سؤال: شخصی تمام دارایی خود را به نفع زوجه اش که تنها وارث او هم هست وصیت نموده است. آیا چنین وصیتی قابل اجرا است یا نه؟

نظر مشورتی اداره حقوقی

با توجه به صراحت ماده ۹۴۹ قانون مدنی در خصوص این که چنانچه زوج فوت کند و وارث دیگری به جز زوجه نداشته باشد زوجه فقط نصیب خود را می برد و بقیه ترکه در حکم مال اشخاص بلاوارث و تابع ماده ۸۶۶ خواهد بود و با عنایت به ماده ۸۶۶ همان قانون که مقرر می دارد در صورت نبودن وارث، دارایی متوفی به حاکم برمی گردد و با التفات به ماده ۸۴۳ قانون مذکور که وصیت زائد بر ثلث ترکه را نافذ ندانسته است مگر با اجازه ورثه، چنین استفاده می شود که در مواردی که وارثی جهت تنفیذ وصیت وجود نداشته باشد وصیت زائد بر ثلث غیر نافذ است. و چون در مورد سؤال زوجه فقط نصیب

۷. ماده ۸۲۶ قانون مدنی: وصیت تملیکی عبارت است از اینکه کسی عین یا منفعتی را از مال خود برای زمان بعد از فوتش به دیگری مجاناً تملیک کند. وصیت عهدی عبارت است از اینکه شخصی یک یا چند نفر را برای انجام امر یا اموری یا تصرفات دیگری مأمور می نماید.

۸. ماده ۸۳۷ قانون مدنی: اگر کسی به موجب وصیت یک یا چند نفر از ورثه خود را از ارث محروم کند وصیت مزبور نافذ نیست .

۹. ماده ۸۴۳ قانون مدنی: وصیت به زیاده بر ثلث ترکه نافذ نیست مگر با اجازه وراثت و اگر بعضی از ورثه اجازه کند فقط نسبت به سهم او نافذ است .

۱۰. ماده ۹۴۹ قانون مدنی: در صورت نبودن هیچ وارث دیگری به غیر از زوج یا زوجه شوهر تمام ترکه زن متوفای خود را می برد لیکن زن فقط نصیب خود را و بقیه ترکه شوهر در حکم مال اشخاص بلاوارث و تابع ماده ۸۶۶ خواهد بود.

۱۱. ماده ۸۶۶ قانون مدنی: کمیسیون مشورتی حقوق مدنی در تاریخ ۱۳۵۱/۷/۵ چنین اظهار نظر کرده است:

«بر طبق ماده ۸۲۵ قانون مدنی وصیت تملیکی آن است که کسی عین یا منفعتی را از مال خود برای زمان بعد از فوتش به دیگری مجاناً تملیک کند و چون سند رسمی شماره ۷۷۲-۱۳۱۷/۲/۲۹ مطابق با این تعریف است وصیت نامه محسوب می شود لذا بر طبق مادتين ۸۳۷ و ۸۴۳ قانون مدنی وصیت به زیاده بر ثلث ترکه بدون اجازه ورثه نافذ نیست ولی چنانچه وراثی نباشد به موجب ماده ۹۴۹ قانون مزبور زوجه فقط نصیب خود را می برد و بقیه ترکه شوهر در حکم مال اشخاص بلاوارث است.»

خود را می‌برد و نسبت به مازاد بر آن، ترکه در حکم اموال اشخاص بلاوارث است، لذا مشارالیه‌ها نمی‌توانند نسبت به مازاد بر ثلث به نفع خود وصیت را تنفیذ کند و نتیجتاً زوجه فقط سهم الارث خود را به علاوه ثلث ماترک (به عنوان وصیت) می‌برد و مابقی ترکه مشمول ماده ۸۶۶^{۱۱} قانون مدنی می‌باشد.

ابراز وصیت نامه بعد از گواهی حصر وراثت (تاریخ: ۶۱/۷/۳ - شماره نظریه: ۷/۳۰۳۴)

وصیت نامه‌ای که بعد از صدور گواهی انحصار وراثت ابراز و مورد قبول و تنفیذ کلیه ورثه باشد قابل ترتیب اثر است.

سؤال: پس از صدور گواهی انحصار وراثت، وصیت نامه‌ای ابراز شده که مورد قبول تمام ورثه است آیا می‌توان به آن ترتیب اثر داد؟

نظر مشورتی اداره حقوقی

اگر وصیت نامه ابرازی مطابق ماده ۲۷۹ قانون امور حسبی تنظیم شده و وفق مقررات مواد ۱ و ۲ آیین نامه راجع به مواد ۲۷۹ و ۲۸۸ قانون مذکور مصوب سال ۱۳۲۲ نگهداری شده باشد به عنوان وصیت نامه سری معتبر است و چنانچه واجد شرایط قانونی فوق الذکر نباشد وصیت نامه سری محسوب نمی‌گردد و مطابق ماده ۲۷۶ قانون امور حسبی اگر وصیت نامه به یکی از اقسام ۳ گانه وصیت یعنی رسمی، خودنوشت و یا سری تنظیم نشده باشد در دادگاهها قابل پذیرش نیست مگر آنکه اشخاص ذی نفع در ترکه به صحت وصیت اقرار نمایند. رأی وحدت رویه شماره ۵۶-۵۱/۱۰/۱۳ نیز حتی تنفیذ بعضی از وراثت را نسبت به سهم آنها پذیرفته است. لازم است با توجه به اینکه همه ورثه آن را قبول و تنفیذ کرده‌اند به آن عمل کرد.

عدم شمول مرور زمان بر وصیت نامه تنفیذی (تاریخ: ۶۲/۳/۲۶ - شماره نظریه: ۷/۱۳۴۰)

وصیت نامه مشمول مرور زمان نمی‌شود.

سؤال: در مورد یک وصیت نامه عادی که تمام ورثه آن را تنفیذ نموده‌اند و بر اساس آن گواهی انحصار وراثت هم صادر شده است چند سال بعد ضمن پرونده دیگری قرار رد دعوی به لحاظ شمول مرور زمان نسبت به وصیت نامه صادر گردیده است. آیا وصیت نامه مذکور معتبر است یا نه؟

نظر مشورتی اداره حقوقی

مستنبط از کلیه مقررات قانون مدنی و امور حسبی در باب وصیت آن است که وصیت نامه مشمول مرور زمان نمی‌شود و وصیت نامه تنفیذ شده معتبر است و قرار رد دعوی به لحاظ مرور زمان خللی به اعتبار آن وارد نمی‌آورد.

ارث زن مطلقه

آیا زن افسر متوفی که نه روز قبل از فوت شوهر خود مطلقه شده و دادگاه به استناد ماده ۹۴۴ قانون مدنی او را قانوناً وارث شناخته است، استحقاق دریافت و استفاده از دو سوم حقوق بازنشستگی که به عنوان مستمری درباره وراث افسران پرداخته می‌شود دارد یا خیر؟

با توجه به ماده ۱۲۸ قانون استخدام نیروهای مسلح شاهنشاهی و ماده ۹۴۴^{۱۳} قانون مدنی، موجبی ندارد که زن مورد بحث از حق دریافت مستمری محروم شود.

مالی بودن دعوی مطالبه سهم الارث

آیا مطالبه سهم الارث (اعم از منقول و غیرمنقول) که از طرف وارثی علیه وارثی دیگر به عمل می‌آید از دعاوی مالی است یا غیرمالی؟ و آیا وارثی که چنین ادعایی دارد باید به طرفیت کلیه ورثه اقامه دعوی کند یا علیه احد از آنان به ادعای اینکه کلیه ماترک در تصرف آن یک نفر می‌باشد کافی است؟
اداره حقوقی پاسخ استعلام فوق را بر مبنای نظر مورخ ۱۳۵۴/۱۲/۶ کمیسیون مشورتی آیین دادرسی مدنی از این قرار اعلام داشته است:

۱. دعوی یکی از ورثه تحت عنوان مطالبه سهم الارث خود، از منقول و غیرمنقول، از دعاوی مالی است و باید قیمت دارایی متوفی اعم از منقول و غیرمنقول در سهم خواهان معین شود، زیرا (قیمت تعیین شده) در امر صلاحیت دادگاه (که دادگاهی که به آن رجوع شده صالح به رسیدگی است یا خیر) و قابل پژوهش و فرجام بودن حکم مؤثر است.

۱۲. ماده ۸۸: وراثی که حق دریافت مستمری دارند به قرار ذیل می‌باشند: الف) عیال (زوجه) تا زمانی که شوهر نکرده باشد.....

۱۳. ماده ۹۴۴: اگر شوهر در حال مرض زن خود را طلاق دهد و در ظرف یک سال از تاریخ طلاق به همان مرض بمیرد زوجه از او ارث می‌برد اگر چه طلاق باین باشد مشروط بر اینکه زن شوهر نکرده باشد.

۲. اگر خواهان که یکی از ورثه بوده مدعی باشد که سهم الارث او در تصرف تمام ورثه است، باید دعوی خود را به طرفیت تمام ورثه اقامه نماید و چنانچه سهم الارث خود را در تصرف یکی از ورثه بداند فقط علیه او باید اقامه دعوی کند، اما چنانچه سایر ورثه منکر وراثت خواهان باشند و او را در ماترک ذی حق ندانند، دعوی وراثت و مطالبه سهم الارث خواهان باید علیه تمام ورثه اقامه و رسیدگی شود.

تقسیم مطالبات کارمند متوفی (تاریخ: ۰۷/۱۰/۲۷ - شماره نظریه: ۷/۵۵۳۱)

مطالبات کارمند متوفی از بابت اشتباه محاسبه حقوق جزء ماترک او محسوب و طبق قانون ارث تقسیم می شود.

سؤال: آیا می توان تمام طلب کارمند متوفی از بابت اشتباه محاسبه حقوق را به زوجه او که تنها وراثش می باشد پرداخت نمود؟

نظر مشورتی اداره حقوقی

مطالبات مربوط به زمان حیات کارمند دولت از بابت اشتباه محاسبه حقوق داخل ترکه وی می شود و باید پس از وضع حقوق و دیونی که به ترکه میت تعلق می گیرد مطابق قواعد ارث بین ورثه او تقسیم شود.

خسارت ناشی از فوت مورث (تاریخ: ۰۹/۱/۲۳ - شماره نظریه: ۷/۴۱۰۰)

خسارت فوت ناشی از حوادث رانندگی جزو ترکه محسوب و برابر قانون ارث تقسیم می شود همچنین سرمایه بیمه عمر اگر در قرارداد بیمه ترتیب خاصی برای تقسیم آن پیش بینی نشده باشد تابع قانون ارث می باشد.

سؤال: آیا سرمایه بیمه عمر و خسارت فوت ناشی از حوادث رانندگی مانند ترکه متوفی طبق قانون ارث بین وراث تقسیم می شوند یا ترتیب دیگری برای تقسیم آنها وجود دارد؟

نظر مشورتی اداره حقوقی

ترکه متوفی عبارت است از اموال و حقوق مالی شخص که حین فوت دارا بوده و همچنین تعهداتی که به نفع او در زمان حیاتش شده است بنابراین خسارت فوت ناشی از رانندگی جزو دارایی و ترکه متوفی خواهد بود چنانکه دیه نیز در حکم ترکه میت و اموال او می باشد لذا تقسیم آن باید به موجب قواعد ارث صورت گیرد. اما در مورد سرمایه بیمه عمر هرگاه

قرارداد به طور مطلق تنظیم شده باشد با توجه به اطلاق ماده ۲۴ قانون بیمه چون این حق به ورثه قانونی تعلق خواهد گرفت رعایت قواعد ارث الزامی است لکن اگر در قرارداد بیمه ترتیب خاصی پیش بینی شده باشد باید وفق قرارداد عمل شود.

سهم الارث زوجه و برادر و خواهر امی (تاریخ: ۵۹/۴/۲۵ - شماره نظریه: ۷/۲۳۵۲)

زوجه و برادر و خواهر امی (از یک مادر) از اصل تر که ارث می‌برند و مابقی به برادر ابوینی (از یک پدر) می‌رسد.

سؤال: شخصی فوت کرده یک همسر داریم، یک برادر ابوینی و یک خواهر و یک برادر امی از او باقی

مانده‌اند سهم هر یک از ماترک متوفی چیست؟

نظر مشورتی اداره حقوقی

با توجه به مواد ۹۲۳ و ۹۲۷ قانون مدنی، از ماترک متوفی پس از وضع دیون و هزینه کفن و دفن و غیره یک چهارم از اموال منقول و قیمت اعیان (ساختمان و آنچه از آن دیده می‌شود) غیر منقول سهم زوجه و یک سوم سهم برادر و خواهر امی است که به تساوی بین آنان تقسیم می‌شود. مابقی ماترک سهم برادر ابوینی (از یک پدر) است. بدیهی است در صورتی که متوفی ایرانی غیر شیعه و یا از سایر مذاهب شناخته شده باشد تابع مقررات احوال شخصیه^{۱۴} مذهب خود خواهد بود.

استملاک اتباع خارجه به وسیله ارث (تاریخ: ۵۹/۱۱/۲۹ - شماره نظریه: ۷/۶۰۵۹)

ملکی که به عنوان ارث به تبعه خارجه منتقل می‌شود به ترتیب مقرر در بند ح ماده یک آیین نامه استملاک اتباع خارجه فروخته و وجه آن به مالک پرداخت می‌شود.

سؤال: شخصی فوت شده و ماترک او به فرزندش که از اتباع شوروی و مقیم کشور شوروی است منتقل

شده، آیا باید سند مالکیت به نام او صادر شود یا خیر؟

۱۴. (یا احوال شخصی، اصطلاح حقوقی به معنی مجموع اوصاف و خصوصیات که وضع و هویت شخص و حقوق و تکالیف او را در خانواده و اجتماع معین می‌کند).

نظر مشورتی اداره حقوقی

بنابر مدلول ماده ۹۶۱ قانون مدنی و بند ح ماده ۱ آیین نامه استملاک اتباع خارجه مصوب ۱۳۲۸/۵/۱۰ و بنا بر مقررات ارث قانون مدنی، مال غیرمنقول به شخص مورد سؤال انتقال قهری پیدا می کند و به ترتیب مقرر در بند ح ماده ۱ آیین نامه مذکور اجبارا به فروش رسانیده شد، و وجه آن به مالک پرداخت می شود. بنابراین مجال و موردی برای ثبت ملک در دفتر املاک به نام تبعه شوروی پیش نمی آید و پس از فروش ملک به خریدار تبعه ایران، به نام او در دفتر املاک ثبت می گردد.

مسئولیت ورثه در قبال دین متوفی (تاریخ: ۶۱/۱/۱۶ - شماره نظریه: ۷/۲۰۶)

مسئولیت ورثه در مورد ادای دیون متوفی به نسبت سهم الارث آنان می باشد.

سؤال: هر گاه متعهد یا ظهرنویس سفته ای فوت نماید و دعوی به طرفیت ورثه متوفی و آن که زنده است اقامه شود مسئولیت ورثه به چه کیفیت است؟

نظر مشورتی اداره حقوقی

طبق مواد ۸۶۸ و ۸۹۶ قانون مدنی با فوت متعهد یا ظهرنویس سفته، دین ناشی از آن با وصف تضامنی به ماترک متوفی تعلق می گیرد و وراثت به اعتبار اینکه قائم مقام قانونی متوفی در ماترک مزبور هستند چنانچه ترکه را قبول نمایند طبق ماده ۲۴۸ قانون امور حسبی هر کدام از آنان مسؤول ادای تمام دیون مورث به نسبت سهم خود خواهند بود مگر اینکه ثابت کنند دین زاید بر ترکه است یا اینکه تمام ترکه یا قسمتی از آن بعد از فوت مورث بدون تقصیر آنها تلف شده و باقی مانده ماترک برای پرداخت دیون کافی نیست که در این صورت نسبت به زاید از ترکه مسؤول نخواهند بود.

تقدم و تأخر فوت (تاریخ: ۶۱/۶/۱ - شماره نظریه: ۷/۳۰۸۶)

هر گاه چند نفر که از یکدیگر ارث می برند در ضمن یک حادثه رانندگی فوت شوند و تقدم و تأخر فوت آنها معلوم نباشد از یکدیگر ارث نمی برند.

سؤال: زن و شوهری در اثر سانحه تصادف رانندگی فوت می نمایند و تاریخ فوت و تقدم و تأخر آنها معلوم نیست. آیا از هم ارث می برند یا نه؟

نظر مشورتی اداره حقوقی

طبق نص ماده ۸۷۳ قانون مدنی اگر تاریخ فوت اشخاصی که از یکدیگر ارث می‌برند مجهول بوده و تقدم و تأخر هیچ یک معلوم نباشد اشخاص مزبور از یکدیگر ارث نمی‌برند مگر آنکه موت به سبب غرق یا هدم واقع شود که در این صورت از یکدیگر ارث می‌برند و در مورد سؤال چون فوت به سبب حادثه رانندگی و تصادف بوده و تقدم و تأخر فوت اشخاص معلوم نیست لذا از یکدیگر ارث نمی‌برند.

اختلاف در زوجیت

اگر کسی به ادعای زوجیت متوفی سهم الارث خود را از ماترک مطالبه کند و ورثه دفاعاً اظهار کنند مشارالیه قبل از فوت شوهرش مطلقه شده و وارث شناخته نمی‌شود آیا امر اختلاف در اصل طلاق محسوب و رسیدگی به آن در صلاحیت محکمه شرع است؟

نظر به کمیسیون مشورتی آیین دادرسی مدنی

چنانچه بین ورثه متوفی و کسی که به ادعای زوجیت با متوفی مطالبه سهم الارث می‌نماید اختلاف شود و ورثه متوفی مطلقه بودن مدعی زوجیت را حین الفوت مورث ادعا نمایند این اختلاف مربوط به اصل طلاق و رسیدگی به این امر در صلاحیت دادگاه شرع است.

تقسیم ماترک

اگر خواسته مطالبه سهم الارث باشد آیا دادگاه می‌تواند آن را دو دعوی یعنی تقسیم ماترک و مطالبه سهم الارث تلقی نموده در خصوص درخواست تقسیم یک صد ریال و در خصوص سهم الارث به مأخذی که خواسته تقویم می‌شود خواهان را مکلف به الصاق و ابطال تمبر در برگ دادخواست تقدیمی نماید؟

نظر کمیسیون مشورتی آیین دادرسی مدنی

درخواست تقسیم ماترک امری غیرمالی و مطالبه سهم الارث مالی است و این دو مورد با یکدیگر تفاوت دارند و اگر خواسته دعوی مطالبه سهم الارث باشد رسیدگی به دعوی مزبور مستلزم تعیین میزان ترکه و سهم خواهان بوده و تمبر

دادخواست به مأخذ بهای خواسته که به عنوان سهم الارث عین گردیده باید الصاق شود و دیگر الصاق تمبر به مأخذ غیرمالی ضرورت ندارد.

اموال متوفای بلاوارث

با توجه به ماده ۳۳۵ قانون امور حسبی و ماده ۶ قانون تصدیق انحصار وراثت مصوب ۲۶ مهرماه ۱۳۰۹

پس از گذشت چند سال املاک و اموال متوفای بلاوارث متعلق به دولت خواهد بود؟

با در نظر گرفتن مواد ۳۳۴^{۱۵} و ۳۳۵^{۱۶} قانون امور حسبی و ماده ۱۷^۶ قانون تصدیق انحصار وراثت با توجه به نظر کمیسیون مشورتی حقوق مدنی اداره حقوقی چون طبق مواد ۳۳۴ و ۳۳۵ قانون امور حسبی باقی مانده ترکه متوفی از منقول و غیرمنقول در صورتی که از تاریخ تحریر ترکه ظرف ده سال وارثی پیدا نشود به دولت تعلق خواهد گرفت، بنابراین ماده ۶ قانون تصدیق انحصار وراثت مصوب ۱۳۰۹ با مواد مزبوره از قانون امور حسبی غیرقابل جمع است و با توجه به اینکه موضوع ماده ۶ قانون مذکور با مواد مزبور در قانون امور حسبی یکی است ماده ۶ قانون تصدیق انحصار وراثت ضمناً نسخ شده محسوب می شود.

استملاک اتباع بیگانه

به استناد ماده ۲ آیین نامه اجرایی تصویب نامه هیأت وزیران در مورد استملاک اتباع بیگانه در ایران دو برادر از اتباع بیگانه با موافقت شورای امنیت استانداری خراسان و رعایت مقررات مربوط یک قطعه

۱۵- ماده ۳۳۴ قانون امور حسبی: مدیر ترکه پس از تحریر ترکه دیون و واجبات مالی متوفی را ادا کرده مورد وصیت را در صورتی که وصیت شده باشد خارج و باقیمانده ترکه از اموال منقول و غیرمنقول و وجه نقد که در تصرف دولت یا بنگاههای بازرگانی و صرافی و غیره یا اشخاصی است به دادستان تسلیم می کند که به ترتیب مقرر در آیین نامه وزارت دادگستری نگاهداری نماید.

۱۶- ماده ۳۳۵ قانون امور حسبی: اگر از تاریخ تحریر ترکه تا ده سال وارث متوفی معلوم شود ترکه به او داده می شود و پس از گذشتن مدت نامبرده باقی مانده ترکه به خزانه دولت تسلیم می شود و ادعای حقی نسبت به ترکه از کسی به هر عنوان که باشد پذیرفته نیست.

۱۷- ماده ۶. اگر اموال منقول و غیرمنقول و وجه نقد و بیست سال نسبت به مال غیر منقول از تاریخ فوت مالک کسی به عنوان وراثت ادعا نماید دیگر ادعایی پذیرفته نخواهد شد و اموال مزبور متعلق به دولت است که به مصرف مؤسسات خیریه برساند.

زمین در شهر مشهد به منظور احداث ساختمان هتل و منزل مسکونی خریداری و کلیه تشریفات قانونی درباره آنها اجرا گردیده است.

اینک طبق اعلام استانداری مرکزی دو نفر مذکور در فوق تقاضای انتقال و خرید دو قطعه زمین دیگر را جهت سکونت در تهران نموده‌اند با توجه به اینکه مقررات و آیین‌نامه‌های مربوط به استملاک اتباع بیگانه در این مورد صراحتی ندارد، آیا با درخواست آنان نسبت به انتقال و خرید اراضی مزبور نیز می‌تواند موافقت نمود یا خیر؟

در مورد سؤال فوق کمیسیون مشورتی حقوق بین الملل چنین نظر داده است:

همان طور که ماده ۵ آیین نامه اجرایی تصویب نامه قانونی ۴۲/۷/۱۳ صراحت داشته در صورتی که متقاضی بیش از یک محل سکونت در ایران درخواست نماید و وضع او هم به نظر کمیسیون مناسب با این درخواست باشد کمیسیون می‌تواند با درخواست وی موافقت نماید گرچه آیین نامه مزبور لغو و به جای آن آیین نامه مورخ ۴۵/۵/۵ تصویب گردیده ولی با توجه به اینکه در آیین نامه اخیر نسبت به این موضوع تکلیفی تعیین نشده بلکه از نظر کیفیت تشکیل کمیسیون و سایر شرایط به طور کلی تغییراتی داده شده است و نظر به اینکه در ماده ۹۶۱ قانون مدنی تصریح گردیده (جز در موارد ذیل اتباع خارجه از حقوق مدنی متمتع خواهند بود...) و حق سکنی و محل کسب و پیشه از جمله حقوقی نیست که از اتباع خارجه سلب و یا صرفاً از نقطه نظر جامعه ایرانی ایجاد شده باشد و تحدید مسکن اتباع خارجی به یک محل محتاج نص است و نص خاصی در این مورد وجود ندارد. بنابراین حق داشتن مسکن متعدد موافق اصول قانونی مدنی برای اتباع خارجه اصولاً بلااشکال است و همانطور که آیین نامه مورد بحث بالصراحه این امر را شناخته شناسایی چنین حقی براساس اصولی که اشاره شد کماکان بلااشکال است و تشخیص مورد بستگی به نظر کمیسیون صالح و تصویب هیأت وزیران دارد.

توارث در فوت همزمان

✚ مردی به علت عدم رعایت مقررات در ساخت و ساز ساختمان و منهدم شدن آن، موجب فوت

همسر و سه فرزند خود می‌شود. سبق و لحوق فوت آنان معلوم نیست، کیفیت تقسیم ارث و سهم

الارث آنان از دیه چگونه است؟

نظر کمیسیون: نشست قضائی (۵) مدنی: با توجه به ماده ۸۷۳ قانون مدنی، چون در موارد غرق و هدم، اشخاصی که

فوت شده‌اند از یکدیگر ارث می‌برند و نظر به اینکه با توجه به ماده ۸۸۰ قانون مدنی، صرفاً قتل عمد از موانع ارث می‌باشد،

بنابراین دیه و ماترک بر طبق قواعد ارث و با رعایت ماده ۸۷۳ قانون مدنی، تقسیم خواهد شد.

✚ اگر در اثر تصادف عده ای که از یکدیگر ارث می‌برند در اثر حادثه همزمان فوت نمایند که

تقدم و تأخر فوت آنان مشخص نباشد آیا از همدیگر ارث می‌برند یا خیر؟ در ماده ۸۷۳ قانون

مدنی آمده کسانی که فوت آنها به سبب هدم باشد از یکدیگر ارث می‌برند، آیا کلمه هدم در

این مورد قابل تسری است یا خیر؟

نظر اکثریت: با توجه به نظریه حضرت امام (ره) در تحریر الوسیله و عده ای دیگر از فقهای متأخر و حقوقدانان، کلمه

«هدم» قابل تسری به تصادفات نیز می‌گردد.

✚ نحوه توارث فیما بین اشخاصی که در حوادثی نظیر رانندگی به غیر از هدم و غرق فوت می‌-

شوند و زمان فوت و تقدم و تأخر آن (لحظه فوت هیچکدام) معلوم نیست، چگونه خواهد بود؟

نظر کمیسیون: نشست قضائی (۵) مدنی: مرگ دسته جمعی در حوادث رانندگی و سقوط هواپیما و انهدام کشتی به

لحاظ داشتن وجوه مشترک اینگونه حوادث و این که اثبات تقدم و تأخر فوت هریک از فوت شدگان امکان پذیر نیست،

در حکم هدم است و قانونگذار نیز تأکید بر هدم بنا نداشته تا قائل به تفسیر محدود و مضیق شویم، به نظر می‌رسد در جامعه

کنونی، افراد به لحاظ اشتغالات گوناگون ناگزیرند اگر چه موقت، اوقاتی را در اینگونه وسایط نقلیه سپری نمایند و به

تعبیری این وسایل، محل سکناى مشترک موقتی آنان محسوب می‌شود.

بنابراین چنانچه هوایما یا اتومبیل یا کشتی در اثر عوامل مختلف دچار سانحه شوند که این سانحه منجر به فوت جمعی افراد گردد، آنان در صورت خویشاوندی (با توجه به قواعد ارث) از همدیگر ارث می‌برند.

تعیین سهم الارث زوجه بدون فرزند

✚ اگر شخصی زنهای متعددی داشته باشد و از یک زن صاحب اولاد نشده و از بقیه زنهای صاحب

اولاد شده باشد و زنانی که صاحب فرزند شده‌اند در گذشته باشند و زنی که صاحب فرزند نشده

است، در قید حیات باشد و بعد از مدتی زوج فوت نماید، در این صورت آیا زوجه یک چهارم

از ترکه زوج را می‌برد یا یک هشتم آن را؟

اتفاق آراء: مستفاد از ماده ۹۱۳ قانون مدنی که مقرر نموده است: زوجه در صورتی که میت اولاد یا اولاد اولاد نداشته باشد

یک چهارم ترکه و اگر میت اولاد یا اولاد اولاد داشته باشد یک هشتم ترکه را می‌برد. داشتن اولاد متوجه میت است نه

وارث و فرقی نمی‌کند که احد از زوجات فرزند داشته باشد یا نداشته باشد.

تقدم حق استیفای مهریه نسبت به سایر دیون

✚ شخصی فوت کرده و ترکه او تحریر شده است. همسر متوفی مهریه خود را از طریق اجرای

ثبت به اجرا گذاشته و کلیه ماترک را در قبال طلب خود توقیف می‌کند. شخص دیگری که از

متوفی طلبکار بوده به استناد دو فقره چک از دادگاه حکم به نفع خود گرفته است. نحوه عمل

برای احقاق حق محکوم له و تقسیم ماترک بین بستانکاران به نسبت طلب و با در نظر گرفتن

رجحان مهریه همسر متوفی چگونه است؟

نظر اکثریت: نظر به اینکه مهریه، جزء دیون عندالمطالبه است و حق تقدم برای همسر متوفی وجود دارد، لذا مهریه زن به

نرخ روز محاسبه و به او پرداخت می‌شود. اگر مهریه زن پرداخت شد چنانچه از ماترک چیزی باقی ماند، به سایر بستانکاران

پرداخت می‌شود و اگر کل ماترک در قبال مهریه توقیف شده باشد سایر بستانکاران نمی‌توانند از ماترک، استیفای حق

نمایند.

محاسبه مهریه زوجه به نرخ روز بر حسب سال فوت زوج

✚ آقای الف با خانم ب ازدواج کرده‌اند و سال وقوع عقد ۱۳۶۴ هجری شمسی بوده است. زوجه در سال ۷۸ فوت شده و والدین وی به عنوان بعضی از ورثه سهم الارث خویش را از مهریه زوجه به نرخ روز خواستار شده‌اند: اولاً؛ با توجه به ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی و قانون الحاق یک تبصره به ماده مذکور، مصوب ۷۶، که بیشتر در خصوص مطالبه مهریه از ناحیه زوجه ملاک می‌باشد و رویه قضایی حاکم، آیا طرح دعوی به نحو مذکور صحیح است و باید بر اساس شاخص قیمت‌ها حکم صادر نمود؟ ثانیاً؛ بر فرض صحت دعوی به نحو مذکور تاریخ محاسبه مهریه بر اساس شاخص قیمت‌ها، چه تاریخی است، توجه شود که طبق ماده ۳ آیین نامه اجرایی قانون موصوف تصریح شده: «در مواردی که مهریه زوجه باید از ترکه زوج متوفی پرداخت شود، تاریخ فوت مبنای محاسبه مهریه خواهد بود.» با عنایت به این مطلب که حق ورثه بر ترکه من جمله مهریه از تاریخ فوت ثابت می‌شود برای تعیین اضافه ارزش مبلغ مورد خواسته، ملاک از تاریخ وقوع نکاح تا تاریخ مطالبه است یا از تاریخ استقرار طلب (سال فوت) تا زمان مطالبه، به تعبیر دیگر بایستی بر اساس فرمول پیشنهادی بانک مرکزی در آیین نامه اجرایی و تبصره الحاقی به ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی، طلب والدین به نرخ روز محاسبه گردد یا بر اساس شرایط مندرج در ماده

۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی؟

نظر کمیسیون: نشست قضائی (۸) جزایی: در خصوص سؤال مطروحه حسب مقررات ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی به مجرد عقد، زن مالک مهر می‌شود و با توجه به شرط عندالمطالبه هر وقت می‌خواسته می‌توانسته آن را مطالبه نماید و به موجب تبصره الحاقی به ماده مذکور (الحاقی ۷۶/۴/۲۹) چنانچه مهریه وجه رایج باشد با عنایت به تغییر شاخص قیمت سالانه زمان

تأدیه نسبت به سال اجرای عقد که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌گردد، محاسبه و پرداخت خواهد شد، مگر این که زوجین در حین اجرای عقد به نحو دیگری تراضی کرده باشد؛ لذا بنا به مقررات ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی و تبصره الحاقی، مهریه و تمام وجوهی که به آن تعلق می‌گیرد، حق قانونی زوجه می‌باشد و بعد از فوت زوجه طبق قانون ارث، به ورثه متوفیه تعلق می‌گیرد و هر یک از ورثه از جمله پدر و مادر زوجه می‌توانند قدرالسهم خود را از مهریه زوجه که جزء ترکه مشارالیها محسوب می‌شود در حدود مقررات ماده ۱۰۸۲ و تبصره الحاقی آن و سایر قوانین ذی ربط مطالبه نمایند. ثانیاً تاریخ محاسبه مهریه بر اساس شاخص قیمتها برای تعیین اضافه ارزش مبلغ مورد خواسته از تاریخ وقوع نکاح تا تاریخ مطالبه است نه تاریخ فوت تا زمان مطالبه؛ زیرا ماده ۳ آیین نامه اجرایی مذکور در متن سؤال که مقرر داشته: «در مواردی که مهریه زوجه باید از ترکه زوج متوفی پرداخت شود تاریخ فوت مبنای محاسبه مهریه خواهد بود» و همان طور که از ماده ۳ مرقوم مستفاد است، ناظر به موردی است که زوج فوت کرده و مهریه زوجه که از دیون زوج است باید از ترکه وی پرداخت شود که باید از تاریخ فوت زوج محاسبه شود و در مورد فوت زوجه، مقررات ماده ۳ مرقوم قابل تجری نیست؛ زیرا زوجه وجه مهریه را از زوج طلبکار بوده و با فوت زوجه ورثه او می‌توانند طبق مقررات مارالذکر قدرالسهم خود را از مهریه وی که جزء ترکه مشارالیها است استیفای حق نمایند.

صدور اجرائیه علیه وراث محکوم علیه

✚ فردی که خواننده دعوی بوده و محکومیت مالی قطعی دارد فوت می‌نماید، محکوم له به لحاظ

فوت محکوم علیه تقاضای صدور اجرائیه علیه وراث حین الفوت محکوم علیه می‌نماید. چنانچه

از ماترک چیزی به وراث محکوم علیه متوفی نرسیده باشد و مالی را از مورث خویش به عنوان

ارثیه دریافت ننموده باشند آیا می‌توان علیه آنان اجرائیه صادر نمود و یا چنانچه محکوم له

تقاضای بازداشت وراث محکوم علیه را نماید می‌توان آنان را بازداشت کرد؟

نظر کمیسیون: نشست قضایی (۸) جزایی: در مورد سؤال مطروحه چنانچه ورثه ترکه را بر طبق قانون رد کرده باشند

یا اصولاً متوفی حین الفوت ماترکی نداشته و مالی از وی به عنوان ارثیه به ورثه نرسیده باشد، ورثه در قبال طلبکاران متوفی

مسئولیتی ندارند و محکوم به نمی‌تواند علیه ورثه اجرائیه صادر یا تقاضای بازداشت وراثت را بنماید، اما چنانچه ورثه بر طبق مقررات ماده ۲۴۲ قانون امور حسبی، ترکه را قبول کرده باشند، مطابق ماده ۲۴۸ قانون امور حسبی هر یک مسئول ادای تمام دیون به نسبت سهم خود خواهند بود مگر این که ثابت کنند دیون زاید بر ترکه بوده یا ثابت کنند که پس از فوت متوفی ترکه بدون تقصیر آنها تلف شده و باقیمانده ترکه برای پرداخت دیون کافی نیست که در این صورت نسبت به زاید از ترکه مسئول نخواهند بود.

حال شدن دیون مؤجل متوفی

می‌دانیم که دیون مؤجل متوفی به فوت او حال می‌شود. حال اگر مبنای دین، سفته یا چک باشد و صادرکننده فوت کند، آیا به تبعیت از اصل کلی قانون امور حسبی، دین حال می‌شود یا باید تا سررسید بماند و در آن موقع پرداخت شود، یعنی آیا بین اسناد تجاری و دیونی که در قانون ذکر شده تفاوتی هست یا خیر؟

نظر اکثریت: تفاوتی بین سایر دیون با دیون ناشی از اسناد تجاری نیست؛ چون هدف قانونگذار امور حسبی این بوده که ورثه تا دیون را تأدیه نکرده‌اند نتوانند ماترک را تقسیم کنند و این هم به نفع ورثه است و هم به نفع داینین، ضمناً در قانون امور حسبی هم آمده پس از پرداخت دیون متوفی، ترکه قابل تقسیم است و اصل بر این است که دیون حال می‌شود و تفاوتی بین اسناد تجاری و غیر آن نیست. مشابه این امر در مورد ورشکسته نیز هست که بعد از صدور حکم ورشکستگی کلیه دیون ورشکسته حال می‌شود و تفاوتی در مبنای دین وجود ندارد.

کیفیت صدور گواهی انحصار وراثت با وجود یک فرزند خوانده

فردی به لحاظ نداشتن فرزند، دختری را به فرزند خواندگی پذیرفته و برای وی به نام خود و همسرش به عنوان والدین اقدام به اخذ شناسنامه می‌نماید. بعد از دو سال صاحب دختری می‌گردد و سی و پنج سال بعد فوت می‌نماید. دختر اول که فرزند خوانده وی می‌باشد در سال ۱۳۷۷ مبادرت به اخذ گواهی انحصار وراثت می‌نماید و متعاقباً درخواست تقسیم سهم الارث

می نماید. آیا دختر دوم که فرزند اصلی می باشد باید تقاضای اصلاح گواهی انحصار وراثت

نماید یا اینکه همسر متوفی و مادر دختر دوم که فرزند اصلی است تقاضای نفی ولد نماید؟

نظر کمیسیون: نشست قضایی (۵) مدنی: فرزند واقعی متوفی می تواند به گواهی انحصار وراثت صادره اعتراض نماید

که این دعوا باید به طرفیت فرزندخوانده و سایر ورثه اقامه شود و خواهان ضمن اعتراض به گواهی حصر وراثت دعوای

نفی نسب مطرح نماید. همسر متوفی نیز می تواند به گواهی حصر وراثت اعتراض و نفی نسب و نفی ولادت فرزند خوانده را

از بطن خود مطرح نماید. دادگاه ذی صلاح (با توجه به دعوی نسب دادگاه خانواده) پس از احراز عدم انتساب فرزند

خوانده به متوفی و صدور حکم به رد نسب، گواهی انحصار وراثت سابق الصدور را الغا و حکم به وراثت فرزند واقعی و

عیال دایمی متوفی صادر خواهد نمود.

فهرست منابع:

- ۱- بروشور حقوق شهروندی، با عنوان ارث- معاونت آموزش قوه قضائیه
- ۲- بروشور حقوق شهروندی، با عنوان انحصار وراثت- معاونت آموزش قوه قضائیه
- ۳- رویه قضایی ایران در ارتباط با دادگاه تجدیدنظر استان (حقوقی) جلد سوم کد ۵۱
- ۴- مجموعه نشستهای قضایی (۷): (مسایل قانون مدنی (۱))
۵- (نشریه مأوی - اردیبهشت ماه ۱۳۸۹)
- ۶- www.magiran.com - محبوبه حسین زاده
- ۷- حقوق مالی زن، مقایسه تطبیقی در حقوق اسلام، ایران و کنوانسیون رفع تبعیض از زنان، فاطمه فهیمی
- ۸- بروشور حقوق شهروندی، با عنوان مهریه و وراثت در نکاح موقت- معاونت آموزش قوه قضائیه ۱۴۲

**تهیه و تنظیم مطالب:
صغری ابراهیمی**